

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
The Development of the Concept of landscape¹ in Persian Poetry in
the Early Hijri Centuries (3rd to 7th Hijri)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

سیر تحول مفهوم منظر در شعر فارسی قرون اولیه هجری (۳ تا ۷)

سید امیر منصوری*^۱، فنوش مخلص^۲

۱. استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران؛ پژوهشکده نظر.
۲. پژوهشگر دکتری منظر شهری، لابراتوار نظر، ایران، دانشگاه پاریس ۸، فرانسه.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۱۸ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۹/۰۱

چکیده

نخستین گام برای فهم معنی عبارات و ابیات در متون، پی بردن به معانی صحیح و ترکیبات به کار رفته آنهاست. تاریخ زبان‌شناسی و مردم‌شناسی ایران نشانگر آن است که شناخت منظر و تصور آن، همه‌جا و همه وقت وجود داشته است و رابطه‌ای معنادار میان مفهوم و فضای متصور برای آن وجود دارد. منظر از واژگان کهن و پرکاربردی است که در شعر قرون اولیه هجری با ظاهری مشابه و معانی مختلفی به کار رفته است. بارزترین ویژگی منظر در روایت شاعران، دگرگونی معنای منظر و تحول مفهومی آن است که از ظاهر به باطن و از مفعول به فاعل تغییر می‌کند و روایت‌های مختلفی از منظر همانند نظرگاه، پنجره، ایوان، تماشاگاه، آسمان، دیدگاه، ترسیم می‌شود. واژه منظر با نگاهی کالبدی-معنایی سعی در تفسیر مفاهیم در دو دسته مادی و فرامادی دارد و شامل جنبه‌های توصیفی و مفهومی است. جنبه توصیفی به روایت صورت می‌پردازد و تمثیلی از صفات اخلاقی است و مقدمه‌ای بر ادراک، جنبه معنایی آن است.

مقاله حاضر با بررسی مفهوم منظر در شعر شاعران قرون اولیه هجری (۳ تا ۷) سعی در اثبات اهمیت و نقش این واژه در گذشته تا به امروز دارد. برای فهم منظر، مفهوم واژه تا آنجا که به فهم موضوع و درون‌مایه آن کمک می‌کند در حوزه شعر قرون اولیه به عنوان منبعی مستند و کهن در فرهنگ ایرانی بررسی شده است.

واژگان کلیدی: منظر، نظرگاه، چشم‌انداز، صورت، دیدگاه.

مقدمه

مکان مناسب زندگی انسان داخل کرد. پس از آن رویکردهای محیط‌گرا و طبیعت‌دوست رواج زیادی یافت و در قرن بیستم به تولید مفهوم توسعه پایدار منجر شد. به موازات تلاش‌های متخصصان مکان و فضا برای ارائه تعاریف جدید، مفهوم منظر، که از شاخه‌های علوم باغبانی و کشاورزی آغاز شده بود، تدریجاً استقلال یافت. منظر در تعریف جدید پدیده‌ای عینی-ذهنی شناخته شد که به تنهایی نه در بیرون انسان و نه در ذهن او

منظر که در زبان فارسی امروز معادل landscape به کار می‌رود، تعریف جدیدی از محیط است که از نیمه قرن بیستم به بعد در اروپا و آمریکا رایج شده است. متخصصان این رشته، آن را دستاورد مدرنیته می‌دانند که از قرن ۱۸ میلادی توجه به طبیعت را در معیارهای

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۳۴۲۹۸۶ amansoor@ut.ac.ir

محتوای مرحله بعد قرار گرفت که طی آن شش مفهوم اصلی که جایگاه هر یک از آنها در نمودار مشخص بود، به صورت تفصیلی معرفی شدند. این تحلیل نشان می‌دهد که ذهن ایرانیان مفهوم منظر را در ترکیبی نسبی و مرتبط با زمینه اثر از میان مفاهیم فوق درک می‌کند.

بررسی داده‌ها

قرن ۳ و ۴ هجری

قدیمی‌ترین اشعاری که واژه منظر یا ریشه آن «نظر» را در محدوده مطالعه این تحقیق استفاده کرده‌اند، مربوط به رودکی (۳۲۹-۲۴۴ ه.ق) و فردوسی (۴۱۶-۳۲۹ ه.ق) است. رودکی سه مرتبه در دو بیت، واژه نظر را به کار برده و در هر سه مورد از آن به معنای فاعلی نگاه کردن و توجه کردن، بوده است. در شعر او واژه منظر وجود ندارد.

در به ز خودی نظر مکن

غصه مخوری نظر کن و شاد بزی

فردوسی در شاهنامه در چهار بیت واژه منظر را به کار برده که در سه نمونه آنها، معنای لغوی آن به ظاهر و صورت انسان که بیانگر نژاد و ریشه شاهانه است اشاره دارد.

تو پور چنان نامور مهتری

ز تخم کیانی و کی منظری

به پیمان شکستن نه اندر خوری

که شیر ژبانی و کی منظری

همان دوده و لشکر و کشورش

همان خسروی قامت و منظرش

در یک نمونه دیگر نیز منظر برای معرفی چشم‌انداز طبیعی مقابل ایوان (نظرگاه) استفاده شده است.

یکی منظری بیش ایوان خویش

برآورده چون تخت رخشان خویش

قرن ۵ هجری

فراوانی شعر و شاعران قرن ۵ بیشتر از دوران قبل است. دو شاعر بزرگ این سده فرخی سیستانی (۴۲۹-۳۷۰ ه.ق) و ناصر خسرو (۴۸۱-۳۹۴ ه.ق) در ابیات بیشتری نسبت به سابق واژه منظر را مستقیماً استفاده کرده‌اند. فرخی در ۱۹ بیت و ناصر خسرو در ۱۷ بیت.

دامنه معنایی منظر در این دوره گسترده‌تر از سابق است. مهم‌ترین نکته، طرح مفهوم منظر در مقابل متضاد آن، «مخبر» است. مخبر به معنای دنیای درون و منظر به معنای دنیای بیرون از گذشته مطرح بوده است. در این دوره، این دو مستقیماً به کار گرفته می‌شوند تا حسن درون را مقارن حسن بیرون جلوه دهند. گویی فرهنگ رایج بر اصالت درون تأکید داشته و بیرون را دنیای ظاهر، فانی،

امکان پیدایش ندارد؛ بلکه درک مخاطب از فضای بیرون، منظر را می‌سازد. دنیای واقعی که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند، منظرهایی است که آنها درک می‌کنند. مفهوم جدید منظر که در غرب تئوریزه شده، به دنیای شرق نیز راه یافت. در ایران از دو دهه قبل مقدمات طرح نظریات جدید منظر فراهم شده بود. هم اینک در دانشگاه‌های زیادی در ایران رشته منظر در سطوح کارشناسی‌ارشد و دکتری آموزش داده می‌شود.

سرعت رشد این رشته در ایران حاکی از آن است که زمینه‌های فرهنگی موجود عامل اصلی در جهش‌های توسعه‌ای آن بوده است. انتشار مجلات تخصصی، برگزاری همایش‌های مختلف و توجه مجدد به باغ ایرانی به عنوان پدیده فرهنگی-تاریخی ایرانی در عرصه منظر، شاهد جهش مذکور است.

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد ذهن ایرانیان مفهوم منظر را از هزاره قبل از میلاد مسیح می‌شناخته که محصولی با نام باغ ایرانی را پدید آورده و تا امروز علی‌رغم تغییرات ضروری برای انطباق با شرایط روز، همچنان الگویی قدرتمند برای تعامل انسان با فضای بیرونی و طبیعت است. برای شناخت دامنه آشنایی ذهن ایرانی با مفهوم منظر، این پژوهش با رجوع به شعر فارسی سده‌های ۳ تا ۷ هجری (۹ تا ۱۵ میلادی) مراتب مختلف معنایی منظر را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مفهوم منظر براساس سلسله مراتبی از نقش‌های مفعولی تا فاعلی و معنایی که به وجه عینی (ظاهری) یا ذهنی (باطنی) می‌پردازد، تحول داشته است.

روش تحقیق

در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های پایه، نخست شاعرانی که از تأثیر بیشتری در ساخت زبان فارسی برخوردار بوده‌اند در فاصله زمانی مورد نظر پژوهش انتخاب شدند. قرن ۳ تا ۷ هجری دوره شکل‌گیری زبان فارسی امروز تا اوج‌گیری آن از لحاظ مضامین عرفانی است. شرط این انتخاب علاوه بر تأثیر آنان بر زبان فارسی، پراکندگی انتخاب‌ها در قرون مختلف بوده است.

پس از آن ابیاتی در شعرها که واژه منظر یا ترکیبات آن را به کار گرفته بود انتخاب شدند و با روش تحلیل محتوا، مفهوم منظر ضمن حفظ معانی ظاهری و تأویل‌های مستند به استعاره‌های به کار گرفته شده، شناسایی و طبقه‌بندی شد. در مرحله بعد مفاهیم به دست آمده برای واژه منظر، بدون توجه به فراوانی آنها در نموداری چهاربخشی که دو معیار اصلی فاعلی یا مفعولی و عینی یا ذهنی را در بر می‌گرفت، تقسیم شد. نمودار مذکور مبنای تحلیل

پست و بی‌ارزش می‌شناخته که به کارگیری هم‌زمان قرینه مخبر و منظر برای مبارزه با این سنت و بیان هم‌نوایی و هم‌سوایی این دو و قهرا ارزشمند شناختن منظر است. از جمله در اشعار فرخی :

بسا کسا که نه چون منظرست مخبر او

تراست منظر زیبا موافق مخبر

کس بود کو را منظر بود و مخبر نی

میر هم مخبر دارد به سزا، هم منظر

مخبری باید بر منظر پاکیزه گواه

مخبر در خور منظر به جهان مخبر اوست

و در شعر ناصر خسرو :

گرت آرزوست صورت او دیدن

وان منظر مبارک و آن مخبر

چندان که سوی تن تو سه در باز گشادی

بگشای سوی جانت دو در منظر و مخبر

هم‌نشینی منظر و مخبر حاکی از تلاش شاعر برای بیان تطابق صورت و باطن در جهت بیان ارزش است. در شعر این دو شاعر، منظر همچنین برای بیان چشم‌انداز طبیعی که در برابر ماست به کار رفته است.

به کاخ اندرون صفه‌های مزین

در صفه‌ها ساخته سوی منظر (فرخی سیستانی)

تا چند بنگرند و بگردند گرد ما

این شهره شمع‌ها که بر این سبز منظرند؟ (ناصر خسرو)

این هفت‌گانه شمع بر این منظر، ای پسر

از کردگار ما به سوی ما پیامبرند (ناصر خسرو)

برخاستم و از جای و سفر پیش گرفتم

نز خانم یاد آمد و نز گلشن و منظر

(ناصر خسرو)

در مفهومی دیگر، فرخی منظر را در ترکیب با یک صفت به کار برده است. در این موارد منظر موصوفی است که به معنای صورت و ظاهر به کار برده شده است :

شه خوب صورت، شه خوب سیرت

شه خوب منظر، شه خوب مخبر

چشم بد را ز چنان شاه بگردان به سپند

که آفرین باد بر آن صورت نیکو منظر

با گذشت زمان و تولد ناصر خسرو که دو دهه پس از فرخی بوده است، گویی پیچیدگی مفهوم منظر بیشتر می‌شود که در شعر او منعکس شده است. ناصر خسرو علاوه بر معانی فرخی برای منظر، به چهار معنای دیگر نیز اشاره کرده است :

دنیا در :

شخص جان من به سان منظری است

تا از این منظر به گردون بر پرم

پنجره بلند در :

بگشاده در این حجره تو را پنج در خوب

بنشسته تو چون شاه درو بر سر منظر

مفهوم منظر در این بیت، مکانی با ارزش و در خور شاه است که در آن قرار می‌گیرد و کنایه از امکانی است که برای انسان از طریق پنج حس او فراهم شده و می‌تواند همچون شاه از فراز منظر، بیرون و دنیا را تماشا و فهم کند.

دیدگاه و زاویه نگرش در :

وانگه چون به شدی، ز منظر توبه

باز درافتی به چاه جهل نگون‌سار

ظاهر، هیبت و کالبد در :

مر مرا زین منظر خوب، ای پسر

رفته‌گیر و مانده اینجا منظرم

وین دشمنان ویران همی

خواهند کرد این منظرش

قرن ۶ هجری

سنایی (۵۴۵-۴۷۳ ه.ق) در ۱۳ بیت از شعر خود واژه منظر را استفاده کرده که در اغلب موارد دارای وجه مفعولی به معنای صورت و ظاهر بوده است :

پرسی : چو منی دلبر بینی تو به عالم در

ای ماه نکو منظر آخر چه سؤال‌ست این

تن آلوده گر ز نااهلی

دور ماند از جمال و منظر تو

مأمن و مأخذش نتیجه جان

منظر و مخبرش دریچه جان

قلم او سخی‌تر از کوش

منظر او بهی‌تر از مخبر

در همین وجه، به منظر آسمان و چشم‌اندازهای دور دست نیز اشاره شده است :

در حجاب تو اختران یک‌سر

اندرین هفت منظر اخضر

در مقابل، سنایی در مواردی نیز منظر را با معنای فاعلی به مفهوم پنجره، قاب‌دیدن و ایوان به کار برده است :

منظر و کاشانه پر نقش و نگار است مر تر

چون بمیری هم بر آن کاشانه و منظر برند

عندلیب این نوایی در قفس اولاتری

چون شدی طاووس جایب منظر و ایوان کنیم

از در تن به منظر جان آی

به تماشای باغ قرآن آی

خاقانی (۵۹۵-۵۲۰ ه.ق) نیز در ۲۲ بیت از واژه منظر و یک‌جا از واژه منظره برای بیان مقصود خود استفاده کرده

است. اغلب موارد که خاقانی منظر را به کار برده، معنای صورت و ظاهر مدنظر بوده است :

این پیر زن ز دانه دل من می دهد سپند
تا دفع چشم بد کند از منظر سخاش
من صید آن که کعبه جان هاست منظرش
با من به پای پیل کند جنگ عبهرش
مهجور هفت ماهه منم ز آن دو هفته ماه
کز نیکویی چو عید عزیز است منظرش
باد سلیمان در برش و ز نار موسی منظرش
طیر است گویی پیکرش، طور است مانا داشته

همچنین در بخش‌هایی از شعر خاقانی منظر به عنوان جایگاه، دید بلند و عالی و با مفهوم فاعلی به کار رفته است :

ماهی ستاره زیورش هر هفت کرده پیکرش
هر هشت خلد از منظرش دیدم میان قافله
عیسیم منظر من بام چهارم فلک است
که به هشتم در رضوان شدنم نگذارند
پیش سقف بارگاهش خانه موری است چرخ
کز شبستان سلیمانیش منظر ساختند
در طاق صغه تو چشم بستم نطاق خدمت
جز در رواق هفت فلک منظری ندارم
برده به چارم منظره، مهره برون از شش دره
نزل جهان را از بره، صدخوان نو پرداخته
نوع خلیل حالتی، خضر کلیم قالتی
احمد عرش هیبتی، عیسی روح منظری

خاقانی در یک بیت نیز واژه «مستنظر» را به معنای «مطالبه‌گر نظر» و «فهم عمیق» به کار برده است :

اندیشه نردبان کند از وهم و بر شود
از منظر سپهر به مستنظر سخاش

نظامی (به تقریب ۶۰۲-۵۴۰ ه.ق) در ۱۲ بیت واژه منظر را به کار برده است. مفاهیم موردنظر او در اشعارش هر دو وجه فاعلی و مفعولی منظر را در بر می‌گیرد. در بیشتر اشارات او به منظر، مراد وی پنجره و نظرگاهی در بلندی است که دیدی وسیع و کلان به بیرون دارد. نظامی برای بیان مفاهیم عالی انسانی و معنوی از بلندی منظر که در عصر او به پنجره‌های تعبیه شده بر بالای ساختمان گفته می‌شده، برای مقارنه معنوی سود برده است.

ای بر سر سدره گشته راهت
وی منظر عرش پایگاہت
شصت پایه رواق منظر او
کرده جای نشست بر سر او
بر چنین منظری ستاره سریر
گاه شهدهش دهیم و گاهی شیر

درآرد ز منظر یکی را به چاه
برآرد ز ماهی یکی را به ماه
پری روی بر طاق منظر نشست
نشاند آن تنی چند را زیر دست
علاوه بر این نظامی منظر را در معنای فاعلی دیگر به مفهوم موقعیت و جایگاه نیز استفاده کرده است :

صواب آن شد ز روی پیش‌بینی
که امروزی درین منظرنشینی
نظامی در معنای مقابل این‌ها، منظر را معادل چشم‌انداز و تصویری که در بیرون وجود دارد به مفهوم مفعولی به کار گرفته است :

مگر ماه آمد از روزن درافتاد
که شب را روشنی در منظر افتاد
اجرام سپهر اوج منظر
افروخته باد از این دو پیکر
و با همین مفهوم مفعولی در جای دیگر به معنای صورت و ظاهر انسانی آمده است :

بود مردی به مصر ماهان نام
منظری خوبتر ز ماه تمام
شاه کرد از جمال منظر او
هفت پیکر فدای پیکر او

قرن ۷ هجری

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری (۶۱۸-۵۴۰ ه.ق) ۳۷ بار در اشعار خود از واژه منظر برای بیان مفاهیم مورد نظر بهره برده است. عطار نیز همچون شاعران هم عصر خود منظر را در دو وجه فاعلی و مفعولی به طور جداگانه به کار برده است. لکن اغلب استفاده‌های وی مربوط به وجه فاعلی منظر و در معنای پنجره و قاب دیده است :

از قضا را بود عالی منظری
بر سر منظر نشسته دختری
منظری سر به فلک افراشته
چار دیوارش به زر بنگاشته
گه این گفתי سرای و منظر من
گه آن گفתי که اسباب و زر من
چو بهر خاک زادستی ز مادر
درین پستی چه سازی کاخ و منظر
بره در منظری پر کار می‌دید
یکی ایوان فلک کردار می‌دید
بگفت این و فرود آمد ز منظر
ز پیش گل بنزد آن سمنبر
صد هزاران منظر و دیوار و در
اوفتاده سر نگون بر یک‌دگر

بررسی مفهوم منظر در شعر عطار اولاً حاکی از آن است که اغلب منظر را به عنوان عنصری از معماری به کار گرفته و پیچیدگی و استعاره چندانی در این انتخاب‌ها وجود ندارد. ثانیاً منظر با این گستردگی و تنوع که در شعر عطار به کاررفته باید بخشی از معماری مربوط به ایوان باشد که از اهمیت زیادی در آن عصر برخوردار بوده و احتمالاً نشانه تمکن صاحب‌خانه بوده است. بالاخانه‌ای در ایوان به نام منظر و رو به بیرون داشته است. در وجه مفعولی، کاربرد منظر در شعر عطار در معنای صورت مطلوب و ظاهر معشوق است که بر خلاف وجه فاعلی، از ظرافت اندیشه و طبع لطیفی برای ادای مفهوم منظر برخوردار است :

چو گردنای هوا با گو زمین گردد
ز هفت منظر این گردنای کژ رفتار
روان شد کودک و چادر بر افکند
که تا خود را بر آن منظر در افکند
منظر آن گور از سنگ رخام
روشن واسفید چون روی حسام
در این صورت نظر کن منظر یار
اگر چه نیست ذات حق پدیدار
بمیر از خویش تا باقی بمانی
نظر در منظر ساقی بمانی
چو سوی منظر آمد کس ندید او
به تنهایی به کام دل رسید او

مولوی (۶۷۲-۶۰۴ ه.ق) در ۵۵ بیت از دوران خود واژه منظر را در دو وجه فاعلی و مفعولی به طور جداگانه به کار برده است. منظر در وجه مفعولی با معانی مختلف آمده است. از جمله با معنای صورت و ظاهر در :

چونک اندر قعر جو باشد سرت
کی به رنگ آب افتد منظرت
گفت کو گفتا که بالای سرت
می‌نبینی کن به بالا منظرت

ای نور پسندیده وی سرمه هر دیده
احسنت زهی منظر از مات سلام الله
به چه روز وصل دلبر همه خاک می‌شود زر
اگر آن جمال و منظر فر کیمیا ندارد
و با معنای چشم‌انداز و آسمان در :

امشب مخسب ای دل می‌ران به سوی منزل
کان ناظر نهانی بر منظرست امشب
هشت بهشت ابدی منظر آن شاه نشد
تا چه خوش است این دل من کو کندش منظر

خود

و با معنای معشوق و خدا :

لیک داند هر که او را منظرست

که فغان این سری هم زان سرست
بنده امر توأم خاصه در آن امر که تو
گوییم خیز نظرکن به سوی منظر من
در کنار این معانی، منظر با وجه فاعلی نیز در معانی مختلفی به کار برده شده است. از جمله با معنای چشم و دیده که از میان آن به چیزی در بیرون نظر می‌کند :

گر تو برگردی و برگردد سرت
خانه را گردنده ببیند منظرت
این گفت و بشد چون باد صبا
شد اشک روان از منظر من

در ابیات مختلفی نیز مولوی منظر را به معنای پنجره بالا و عالی بنا به کار برده که علاوه بر تکیه بر وجه فاعلی آن، از پدیده‌ای در فرهنگ عصر خود حکایت می‌کند که امروزه چندان مورد توجه نیست. پنجره‌های عالی که رو به منظر بیرون دارند و منظر خوانده می‌شدند :

چو تو را گوش کشان بردی از آنجا که منم
بر سر آن منظره‌ها هم بنشانم که تویی
بود اندر منظره شه منتظر
تا ببیند آنچه بنمودند سر

و در ترکیب منظرگاه، مکاشفه حالات روحانی و دیدار الهی را با وجه فاعلی منظر معنا کرده است :

در آ در دل که منظرگاه حقست
و گر هم نیست منظر می‌توان کرد

علاوه بر ترکیب‌های فاعلی و مفعولی، در دو بیت شعر مولوی منظر را به گونه‌ای به کار برده که می‌توان برای آن وجه فاعلی و مفعولی توأمان قائل شد :

ننگرم کس را و گر هم بنگرم
او بهانه باشد و تو منظرم
منظر حق دل بود در دو سرا
که نظر در شاهد آید شاه را

در بیت اول منظر می‌تواند هم کنایه از روی دوست باشد که به هر بهانه‌ای دیده می‌شود و هم کنایه از قابی است که از میان آن هرچه دیده شود، روی دوست است. در بیت دوم نیز دل می‌تواند هم جای تماشای حق باشد (فاعلی) و هم انعکاس حق بر دل (مفعولی). این نحو به کارگیری مفهوم منظر در شعر مولوی پیش از وی سابقه نداشته است.

سعدی (۶۹۰-۶۰۶ ه.ق) در ۲۲ بیت از واژه منظر در غزلیات و قصاید خود استفاده کرده است. لطافت طبع سعدی در استفاده از مفهوم منظر، عمیق‌ترین معانی را برای منظر آفریده است. در نظر سعدی، در هر ۲۲ مورد، منظر کنایه از صورت معشوق است که مطلوب نهایی و مدّرکی منحصر به فرد است که از دید عاشق عارف معنا

در شعر در جدول ۱ آمده است (جدول ۱ و تصویر ۱ و ۲).

صورت

نخستین و فراوان‌ترین معنای منظر است که در وجه مفعولی به ظاهر و شکل مادی شیء اشاره می‌کند. این معنا از ابتدا برای بیان صورت انسانی و در وجه معنوی به کار برده می‌شد. در این دوره واژه‌های دیگری همچون سیما و چشم‌انداز که در قرون بعد برای بیان منظره و دورنما به کار می‌رود، هنوز وجود ندارد. منظر به معنای صورت در دوره‌های مختلف، واژه‌ای است که اشاره به دنیای ظاهر دارد و اساساً به وجه باطنی پدیده توجه ندارد و شاعران برای بیان صورت و ظاهر معشوق یا محبوب خود از آن بهره گرفته‌اند (تصویر ۳).

چشم‌انداز

مفهوم دیگری که برای منظر از سده‌های نخستین دوره

می‌شود. در برترین تعبیر برای بیان مفهومی که شهود عارف بدان دست یافته، وارد شطحیات می‌شود و منظر را معادل صورت حق می‌خواند بس که در منظر تو حیرانم صورتت را صفت نمی‌دانم

که برای درک آن نیاز به ذکر صفت نیست و بی‌واسطه می‌توان منظر حق را تماشا کرد. نکته آن که علی‌رغم تنوع طبع و نازک‌اندیشی زبان و خیال سعدی، در همه جا منظر با روی دوست برابر آمده و نقش مفعولی دارد.

کاشکی صد چشم از این بی‌خواب‌تر بودی مرا
تا نظر می‌کردمی در منظر زیبای تو

جمع‌بندی معانی اصیل منظر

در میان معانی گوناگون که در دوره بررسی این پژوهش برای واژه منظر در شعر فارسی به دست آمد، شش معنا فراوانی و استقلال بیشتری دارند که به ترتیب تاریخ پیدایش و استفاده

جدول ۱. سیر پیدایش معانی مختلف منظر به استناد فراوانی آنها در شعر فارسی قرن ۳ تا ۷ هجری. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶.

صورت	چشم‌انداز	دیدگاه	آسمان	معشوق	صورت-دیده
قرن ۳ و ۴					
قرن ۵					
قرن ۶					
قرن ۷					

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال علم‌انسانی



تصویر ۱. طبقه‌بندی مفاهیم منظر در شعر فارسی قرن ۳ تا ۷ هجری بر حسب نقش عینی یا ذهنی آنها. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶.



تصویر ۲. طبقه‌بندی مفاهیم منظر در شعر فارسی قرن ۳ تا ۷ هجری بر حسب وجه فاعلی یا مفعولی آنها. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶.

بررسی این پژوهش انتخاب شد و کاربرد آن تدریجاً فزونی گرفت. چشم‌انداز، منظر است از طبیعت معمولاً گزیده که در برابر ناظر قرار دارد. اشاره به منظر مقابل ایوان، که منظر مصنوع است، بیان‌کننده مفهومی مفعولی و مربوط به دنیای ظاهر است که در کنار صورت بر مصداق دیگری از منظر به مثابه بیرون دلالت می‌کند. دو مفهوم منظر تا این مرحله بر وجه یک معنایی استوارند (تصویر ۴).

دیدگاه

از قرن ۵ به بعد شاهد تحول مهمی در مفهوم منظر در شعر فارسی هستیم. منظر در معنای فاعلی و برای بیان نقطه نظر، دیدگاه، چشم، پنجره و اصولاً جایگاهی که از آن می‌توان به بیرون نظر کرد، آمده است. به کارگیری معنای جدید برای منظر در این دوره همراه با استناد به عنصر معماری ویژه تحت عنوان منظر، که از ملحقات ایوان شمرده می‌شد. تحولی در ذهنیت فارسی‌زبانان در ارتباط با معنای منظر بود؛ منظر مفعولی به امر فاعلی بدل شده است.

اقسام واژه‌هایی که منظر را در وجه فاعلی آن معرفی می‌کند هم مصداق‌هایی عینی و در ظاهر دارند، مانند پنجره و چشم و هم مصداق‌هایی ذهنی در باطن مانند دیدگاه. مصداق‌های هر دو گروه عینی و ذهنی برای واژه منظر به معنای دیدگاه قاب مادی که از ورای آن می‌توان بیرون را دید یا به معنای ذهنی که به استناد پیشینه خود بیرون را تفسیر می‌کند، کنایه از حالت عاملی و فاعلی دیدگاه دارند (تصویر ۵).

آسمان

در قرن ۶ و پس از رواج هر دو معنای فاعلی و مفعولی برای منظر، با معنای جدیدی مواجه می‌شویم که آسمان را مصداق منظر می‌شناسد. در این دوره، چشم‌انداز آسمانی و توجه به آسمان در شعر فارسی مورد توجه قرار می‌گیرد و برای وصف آن از واژه قدیمی و آشنای منظر بهره گرفته

تصویر ۳. فرهاد اسب شیرین را بر دوش می‌گیرد. مینیاتور قرن ۱۰، خمسه نظامی. منظر به مثابه ظاهر، صورت و روی محبوب نخستین مفهوم استفاده شده در شعر فارسی بود. در این تصویر، که قدرت‌نمایی فرهاد از عشق او به شیرین حکایت می‌کند، شیرین مصداق منظر زیبایی است که فرهاد از او به عنوان شمشاد خوش‌بو یاد کرده است. مأخذ: موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۹۰.

می‌شود. آسمان جایی است که علم و روح هر دو در آن منزل دارند. اهل علم به دنبال کشف اسرار آسمان و نسبت آن با زمین و طبیعت زندگی انسان و اهل عرفان در صد شناخت روابط روحانی انسان با شرایط کیهانی به آسمان توجه کردند. توجه عمیق و تودرتوی آنها به مفهوم آسمان از آن پدیده جدیدی ساخت که برای بیان آن شاعران از واژه منظر استفاده کردند.

آسمان مفهومی مفعولی است که در این دوره هم، معنایی عینی و ظاهری به معنای آسمان قابل مشاهده و سنجش از زمین داشت و هم معنایی ذهنی و باطنی به معنای آسمانی که انسان‌ها تصور می‌کردند که از جمله بر شاخ گاو ایستاده یا خورشیدی در مرکز دارد (تصویر ۶).

معشوق

قرن هفتم که همراه با قرن بعد قلّه عرفان ایران محسوب



تصویر ۵. برزویه کتاب کلیله و دمنه را نزد انوشیروان می‌برد. شاهنامه قرن ۹ هجری، کلیله و دمنه. دیدگاه نقطه خاصی است که برای تماشای بیرون برتری دارد. ظرفیت نوعی حالت استراتژیک و چند مقصودی در درون خود دارد. این نقطه می‌تواند محل تماشای طبیعت باشد. در این تصویر صفای هشت وجهی در میان باغ چنین خاصیتی یافته که انوشیروان بر تخت بالای آن تکیه زده است. هشت بهشت، دیدگاهی است که هر یک از هشت وجه آن، بهشتی را در برابر می‌نمایاند. مأخذ: موزه هنرهای معاصر تهران ۱۳۹۰.



تصویر ۴. فردوسی و شعرای غزنه. مینیاتور قرن ۹، شاهنامه بایسنقری. این تصویر منظره را به عنوان چشم‌اندازی زیبا و مستقل و بیرون از انسان تصویر کرده است. در این منظره بود یا نبود ناظر تأثیری بر زیبایی و ارزش آن ندارد. ناظر عضوی است که به آن چشم‌انداز بیرونی نظر می‌کند. مأخذ: موزه هنرهای معاصر تهران ۱۳۹۰.

ایران را می‌توان در قرن هفتم با واژه منظر یافت. در این منظر در وجه مفعولی و به عنوان واژه‌ای باطنی و ذهنی به کار گرفته شده که ندرتا و به هنگام شیطنت و فتنه شاعرانه با مصداق عینی و صورت نیز تعبیر شده است (تصویر ۷). صورت - دیده

قرن هفتم از حیث دستیابی به وجه جدید از مفهوم منظر نیز دارای ویژگی خاصی است. در این دوره منظر به مفهومی به کار می‌رود که شاعر با زیرکی تمام آن را هم در معنای فاعلی و هم مفعولی به کار گرفته است. نظرگاه عنوان کلی این خطاب است که ترکیبی از صورت- دیده است. صورت، چیزی است که دیده می‌شود و دیده، جایی است که از آن می‌توان دید. منظر به مفهوم هر دو

می‌شود، مفهوم جدیدی پدید آورد که مورد توجه شعرای فارسی‌گو قرار گرفت: عشق و معشوق. اگر چه این معنا از گذشته نیز پیدا بود، اما در این قرن به اوج توجه دست یافت و انواع تفسیرها از حقیقت و مجاز معشوق در شعر وصف شد.

معشوق عارف که وجودی غیر مادی است، در شعر شاعران عارف وصف شد و گاه تا حد رؤیت نیز در شطحیات آنها به دیده آمد. این مفهوم که در میان مفاهیم عصر خود، نو یافته‌ای عمیق و چند لایه بود، با واژه منظر بیان شد و صورت معشوق به مثابه آنچه از معشوق به حس کلی در می‌آید، منظر او خوانده شد.

لطیف‌ترین تعبیرات در وصف روی معشوق در شعر عرفانی



تصویر ۷. انکار شاگردان در شأن هرمس. قرن ۱۰ هجری، خمسه نظامی. حلقه حکیمان و عارفان، زمینه‌ساز صافی دلی است که منظر وجود، بر آن می‌تواند تأیید. این مفهوم از منظر در ارتباط تنگاتنگ با احساس معشوق و صافی دل به عنوان ابزار رصد اوست. حلقه درس استاد و طریق کشف معشوق در دل منظری از آیات الهی نقش می‌بندد. مأخذ: موزه هنرهای معاصر تهران ۱۳۹۰.



تصویر ۶. معراج حضرت محمد (ص). قرن ۱۰ هجری، خمسه نظامی. آسمان منظر جدیدی بود که از قرن ۶ هجری به عنوان یک مفهوم دوگانه در شعر فارسی ظهور کرد. اگرچه نام آن، مفعولی و از پدیده‌ای عینی و مستقل از ناظر حکایت می‌کرد. اما مفهوم آن، صبغه‌ای ذهنی نیز یافت که مضمونی اساطیری و ساخته ذهن انسان داشت. گنبد آسمان، در شعر، مینیاتور و معماری کنایه از وجه ذهنی معنای آسمان بود. مأخذ: موزه هنرهای معاصر تهران ۱۳۹۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این‌ها، صورت و دیده، در قرن هفتم به کار برده می‌شود. می‌توان این دوره را قله دستیابی به ظرفیت کامل معنایی منظر به حساب آورد که پس از آن شاعران و متفکران بعدی، در گوناگونی بخشیدن به مصداق‌های مفاهیم به کار گرفته شده قبل با یکدیگر رقابت کرده و دستاوردهای جدید آفریده‌اند. مفهوم منظر در وجه فاعلی-مفعولی، ذاتاً مفهومی عینی-ذهنی است که هم‌زمانی این دو را برای محقق شدن می‌طلبد (تصویر ۸).

نتیجه‌گیری

روایت‌گری واژه منظر در شعرهای بررسی شده نمونه‌ای از گونه‌گونی این واژه است که با ظرافت خاصی برای طرح مفاهیم مختلف به کار رفته است. در این شعرها بر مبنای حضور شخصیت‌ها در مکان و نحوه ادراک و احساس آنها،

معنای منظر شکل می‌گیرد. شکل‌گیری فضای روایی واژه منظر مراتبی دارد: صورت و ظاهر انسان و طبیعت، پنجره و ایوان، دیدگاه به آسمان، معشوق و ترکیبی جدید به نام صورت-دیده که به ترتیب ظهور می‌کنند. بارزترین ویژگی منظر در روایت شاعران، دگرگونی معنای منظر و تحوّل مفهومی آن است. که از ظاهر به باطن و از مفعول به فاعل تغییر می‌کند و روایت‌های مختلفی از منظر همانند نظرگاه، پنجره، ایوان، تماشاگاه، آسمان، دیدگاه، ترسیم می‌شود. تعامل این ابعاد به پیشبرد روایت و شکل‌دهی بنیان‌های مفهومی و استعاره‌ای جدید یاری می‌رساند و به شکل‌گیری روایت‌های مختلفی در شعر می‌انجامد که با ظاهر مشابه معنای مختلف دارند. با توجه به نقش مؤثر مفهوم منظر در شکل‌دهی به زیرساخت‌های روایت و تمرکز بر تغییر و تحول درونی آن در قرون اولیه هجری می‌توان

این واژه را از مفاهیم بنیادین در شعر و فرهنگ ایرانی برشمرد که حاصل آن بازتولید مفهوم منظر در دنیای امروز ایرانیان است.

بررسی تحولات مفهومی واژه منظر در شعر فارسی سده ۳ تا ۷ هجری از دگرگونی معنای منظر در دو محور مختلف حکایت می‌کند. محور نخست تقسیمات به وجه فاعلی یا مفعولی معنای منظر مربوط می‌شود و محور دیگر نقش عینی یا ذهنی آن را دگرگون می‌کند. به نظر می‌رسد تحولات مفهوم منظر در دوره پژوهش این مقاله، در پنج مرحله مختلف قابل طبقه‌بندی باشد که در هر دوره وجه و نقش منظر نسبت به دوران قبل تفاوت‌هایی داشته است. مراحل پنج‌گانه در جدول ۲ آمده است (جدول ۲ و تصویر ۹). چنان‌که ملاحظه می‌شود، مفهوم منظر در دو راستای متفاوت، سرنوشت مختلفی داشته است. در راستای نقش عینی یا ذهنی معنای آن، تحوّل معنا از نقش عینی به نقش مرکب عینی-ذهنی و در مقابل در راستای وجه مفعولی یا فاعلی مفهوم منظر، دگرگونی به صورت ظهور وجه مفعولی در آغاز و وجه فاعلی در دوره میانه و وجه فاعلی-مفعولی در مرحله آخر بوده است. می‌توان گفت که در قیاس دو راستای مختلف برای تعیین معنای منظر، نقش عینی یا ذهنی آن از پیچیدگی کمتری نسبت به وجه فاعلی یا مفعولی مفهوم منظر برخوردار بوده که در نتیجه آن، رخداد آفرینش نقش عینی-ذهنی قبل از پیدایش نقش ذهنی منظر بوده است. در حالی‌که وجه فاعلی-مفعولی منظر در آخرین مرحله تکامل آن به دست آمده است.

فهرست منابع

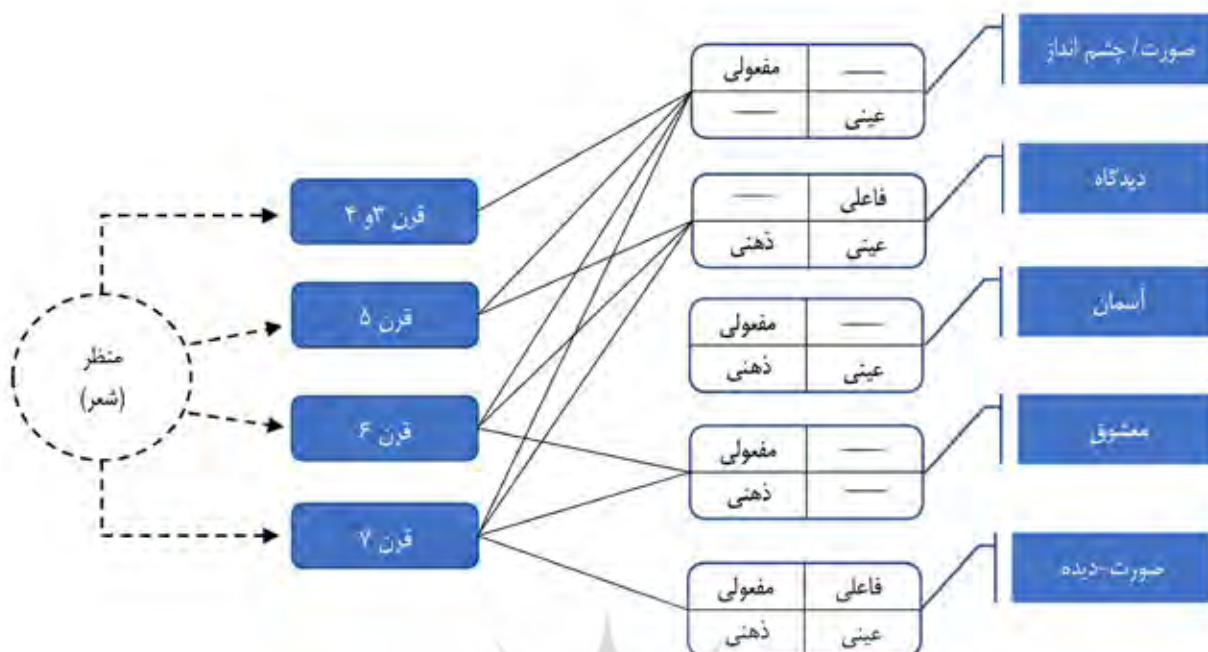
• رودکی سمرقندی، جعفر بن محمد. (۱۳۷۸). دیوان اشعار. تهران:

جدول ۲. بررسی تحولات مفهومی واژه منظر در شعر فارسی سده ۳ تا ۷ هجری. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶.

مرحله	وجه فاعلی	نقش		مصدق
		مفعولی	عینی	
۱				صورت/ چشم‌انداز
۲				دیدگاه
۳				آسمان
۴				معشوق
۵				صورت- دیده



تصویر ۸. بخشی از مینیاتور ورود یوسف به مجلس میهمانی زلیخا. نگارگر: قاسم علی، قرن ۱۰ هجری، پنج گنج جامی. نقاشی از منظر به مثابه پدیده عینی-ذهنی یا صورت-دیده کار دشواری است. این تصویر را می‌توان مصداقی از آن دانست که از سویی به منظره‌ای که از قاب درگاه در دوردست دیده می‌شود و در بالای تصویر رسم شده اشاره می‌کند و از سویی دیگر درگاهی که از میان آن می‌توان منظر را دید. این بخش از مینیاتور، روایت منظر به مثابه فضایی واقعی-ادراکی است که ناظر هم در فهم فضا مداخله دارد. مأخذ: موزه هنرهای معاصر تهران ۱۳۹۰.



تصویر ۹. پنج مرحله دگرگونی مفهوم منظر از حیث نقش (عینی یا ذهنی) و وجه (فاعلی یا مفعولی) آن. مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۶.

رویان.

- سعدی شیرازی، شیخ مصلاح‌الدین. (۱۳۹۴). *غزلیات سعدی*. تهران: نیکا.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۴۱). *دیوان حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنائی غزنوی*. تهران: ابن سینا.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۸۷). *حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه*. تهران: دانشگاه تهران.
- سیستانی، فرخی. (۱۳۱۱). *دیوان فرخی سیستانی*، به تصحیح: علی عبدالرسولی، تهران: مطبوعه مجلس.
- عطارنیشابوری، شیخ فریدالدین محمد. (۱۳۵۹). *دیوان اشعار*، به تصحیح: م. درویش. تهران: جاویدان.
- عطارنیشابوری، شیخ فریدالدین محمد. (۱۳۶۳). *هیلاج‌نامه*، به تصحیح: احمد خوشنویس. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- عطارنیشابوری، شیخ فریدالدین محمد. (۱۳۸۱). *اشترنامه*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- عطارنیشابوری، شیخ فریدالدین محمد. (۱۳۸۲). *خسرونامه*. تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه در گستر.
- عطارنیشابوری، شیخ فریدالدین محمد. (۱۳۸۳). *جوهرالذات*، به تصحیح: تیمور برهان لیمودهی. تهران: سنایی.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد. (۱۳۸۶). *مصیبت‌نامه*، به تصحیح: نورانی وصال. تهران: زوار.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد. (۱۳۹۱). *منطق‌الطیر*. قابل دسترس در: سایت فرهنگی، اجتماعی و خبری تربت جام.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد. (۱۳۹۴). *الهی‌نامه*، به تصحیح: شفيعی کدکنی. تهران: سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). *شاهنامه*. تهران: پیام دوستی.
- قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۰۷). *دیوان قصاید و مقطعات حکیم ناصر خسرو*، به تصحیح: حاجی سید نصرالله تقوی. تهران: مطبوعه مجلس.
- موزه هنرهای معاصر تهران. (۱۳۹۰). *شاهکارهای نگارگری ایران*. تهران: مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر و موزه هنرهای معاصر تهران.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۴). *دیوان کلیات شمس تبریزی*. تهران: شقایق.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد. (۱۳۹۲). *مثنوی معنوی*، به تصحیح: رینولد ا. نیکلسون. تهران: هرمس.
- نظامی گنجوی. (۱۳۹۰ الف). *اقبال‌نامه*، به تصحیح: حسن وحید دستگردی. تهران: قطره.

- نظامی گنجوی. (۱۳۸۸). لیلی و مجنون. تهران : پارس بوک.
- نظامی گنجوی. (۱۳۹۴). هفت پیکر نظامی. تهران : نشر الکترونیکی.
- نظامی گنجوی. (۱۳۹۰). خسرو و شیرین. تهران : پارس بوک.
- نظامی گنجوی. (۱۳۹۰). شرف‌نامه، به تصحیح : حسن وحید دستگردی. تهران : قطره.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

منصوری، سید امیر، مخلص، فرنوش. (۱۳۹۷). سیر تحول مفهوم منظر در شعر فارسی قرون اولیه هجری (۳ تا ۷). باغ نظر، ۱۵ (۶۶) : ۲۸-۱۷.

DOI: 10.22034/bagh.2018.76899
 URL: http://www.bagh-sj.com/article_76899.html

